

## دروازه‌های به آسمان - صفحه‌ی ۹۳

## #تاریخ ادبیات:

سید مرتضی آوینی: صفحه‌ی ۱۵۵ کتاب درسی

## #معنای لغات:

پای می‌نهادی: قرار می‌دادی / مردان مرد: شجاعان، دلاوران / برپا شده بود: برقرار شده بود / قافله: کاروان / ملحق شود: بپیوندد / پندار: تصور، گمان / حقیقت: راست، درست / مقاومت: پایداری و ایستادگی / عظیم: بزرگ / محفوظ داشته‌اند: نگهداری می‌کنند / می‌انگارند: تصور می‌کنند، گمان می‌کنند / پایان ناپذیر: همیشگی / فرصت زیستن: زمان زندگی کردن / شیوه: روش / صلح: دوستی / ناگاه: ناگهان / افکنده: انداخته / رشید: دلیر، شجاع / دلاوران: شجاعان، جنگجویان / جاودانگی: همیشگی بودن، ابدی بودن / دریافتند: متوجه شدند / بی‌وقفه: بدون توقف، پیاپی / گذشته: عبور کرده / بازنایستاده: متوقف نشده / حیات معمول: زندگی رایج / نظاره: نگاه، تماشا / ققنوس وار: مانند ققنوس (ققنوس: پرنده‌ای افسانه‌ای که گویند در آتشی که خود برمی‌افروزد، می‌سوزد و از درون خاکسترش، دوباره نوزادی متولد می‌شود؛ به همین سبب این پرنده را رمز جاودانگی و فداکاری می‌دانند.) / سربرآورد: بلند شد / باژگونه: واژگون، به هم ریخته / درنیابند: درک نکنند / مسجد جامع: مسجد بزرگ شهر / مظهر: محل ظهور، جلوه‌گاه / استقامت: پایداری / اشغال: جایی را به زور گرفتن، مکانی را تصرف کردن / متجاوزان: دشمنان، کسی که وارد حریم دیگری شود / ناگزیر: مجبور / شط: رود بزرگ که وارد دریا شود. / مقر: قرارگاه، مرکز هماهنگی نیروها / اصحاب: یاران / تداعی: یادآوری، تصور / فرمان: دستور / منتهی: آخر، پایان (در اینجا به معنی ولی، اما، دست آخر) / عشاق: جمع عاشق، عاشقان / شایستگان: انسان‌های شایسته و لایق / استقرار: قرار یافتن، آرام گرفتن / انباشته است: لبریز کرده / برپا شد: شکل گرفت / حسرت: افسوس، ناراحتی از نداشتن چیزی / معارج: جمع معراج (= بالا رفتن، عروج، تکامل)، نردبان‌ها، وسیله‌ی عروج و بالارفتن / فراز: بلندی / رزم آوران: جنگجویان / منظر: جای نگریستن، چشم انداز / سلاله: نسل / نگاشته: نوشته

## #معنای متن: (بخش‌های مهم)

**صفحه ۹۳ - اواسط خط دوم:** این شهر (خرمشهر) به ظاهر، مادی و زمینی بود و دروازه‌های برای وارد شدن داشت، اما محلی بود که بسیاری از شهیدان به سوی خداوند (آسمان) پرواز کرده‌اند و تو راه آسمانی این شهر را جست و جو می‌کردی، راهی که تو را به کربلا می‌رساند، راهی که فقط دلاوران و مردان شجاع، اجازه‌ی ورود به آن را داشتند.

**صفحه ۹۳ - اواخر خط هفتم:** تصور ما این است که شهیدان از بین ما رفته‌اند و ما در این جهان، باقی مانده‌ایم، اما درست آن است که ما به خاطر دلبستگی مادی، پس از مرگ نابود می‌شویم و شهیدان، همیشه جاودان می‌مانند.

**صفحه ۹۳ - اواسط خط دهم:** آن جوان بسیجی، اکنون جوان نیست (به پیری رسیده است). جوانی و شادابی او در شهر زیبا و ملکوتی خرمشهر، صرف جنگیدن با دشمن شد و همیشه شادمان خواهند ماند.

**صفحه ۹۵ - خط چهارم:** روزی، آتش ویرانگر جنگ، تمام شهر را در بر گرفت و نابودش کرد. آن روزها طی شد اما غم و رنجی را که جنگ در جان ما افکنده است، هیچ وقت با مرگ، آرام نمی‌شود و از بین نمی‌رود.

**صفحه ۹۵ - خط یازدهم:** روزی، یک دفعه، از آسمان به سوی زمین، بمب و موشک پرتاب شد و زندگی معمول مردم شهر، دچار مشکل شد و کشتی‌ها متوقف گردید. رودخانه، در جایش باقی ماند و نگاه کرد که چگونه زندگی واقعی انسان‌های عارف و خداشناس، همانند ققنوس دوباره از بین خاکستر نخل‌های نیم‌سوخته، خانه‌های نابود شده، ماشین‌های آتش گرفته و کشتی‌های متوقف شده، ادامه پیدا کرد. جای تعجب است که این عقل واژگونه و آشفته‌ی ما، برای درک عظمت شهیدان، ما را به قبرستان می‌برد تا قبر شهیدان را ببینیم. (عقل نمی‌تواند عظمت، دلاوری و شهیدان را درک کند).

**صفحه ۹۵ - اواخر خط شانزدهم:** شهیدان شهر را حفظ کرده‌اند. خرمشهر مانند گل شقایق خون رنگ، رنج این جنگ را در خود دارد.

**صفحه ۹۶ - خط نهم:** جنگ پدید آمد تا این که شجاع‌ترین مردان به خواسته و آرزوی خود که همان عشق رسیدن به کربلاست، برسند. به دنبال این همه خرابی‌ها، همانند روز عاشورا، نردبانی به سوی آسمان وجود دارد که بر بالای آن، امام حسین(ع) آماده‌ی در آغوش گرفتن همه‌ی رزمندگان است.

**صفحه ۹۶ - خط دوازدهم:** در هر ذره‌ای از این سرزمین، شهیدی به آسمان پرواز کرده است؛ بنابراین، در این مکان پاک و مقدس با وضو (پاک) وارد شوید.

### #آرایه‌ها:

پای می‌نهادی ← کنایه از وارد می‌شدی / زمین و آسمان ← تضاد و تناسب / شهر در دست دشمن افتاد ← کنایه از مسلط شدن و تسخیر شهر / در دست افتادن و آزاد شدن ← تضاد معنایی / زمان ما را با خود برده است ← تشخیص / جوان و پیر ← تضاد / آتش جنگ ← اضافه‌ی تشبیهی / جسم شهر ← تشخیص (اضافه‌ی استعاری) / در خود گرفت ← کنایه از شامل شد / آتش (اما این آتش) ← استعاره از غم و اندوه، درد و رنج / جنگ، آتش را بر جسم افکنده ← تشخیص / آتش چنگ بر جسم ما زده ← تشخیص + کنایه از اثرگذاری و ایجاد غم و اندوه / سرچشمه‌ی جاودانگی ← اضافه‌ی تشبیهی / روزهای آتش و جنگ ← آتش ← استعاره از گلوله و بمب و موشک / آتش بارید ← مبالغه (اغراق) + آتش ← مجاز از بمب / کشتی به گل نشست ← کنایه از متوقف شدن / خوردوها گریختند ← تشخیص / رودخانه نظاره کرد ← تشخیص / ققنوس‌وار ← تشبیه / سر برآوردن ← کنایه از برخاستن و ایستادن / تلمیح دارد به داستان ققنوس ← نماد جاودانگی / عقل ما را به قبرستان می‌کشاند ← تشخیص / شور زندگی مران را کشانده ← تشخیص / خرمشهر ← نماد مقاومت / خرمشهر شقایق خون(قرمز) رنگ ← تشبیه / داغ جنگ بر سینه داشتن ← کنایه از درد و رنج و غم و اندوه داشتن / مسجد جامع خرمشهر قلب شهر بود ← تشبیه / قلب شهر ← تشخیص / مسجد مادری بود ← تشبیه / فرزندان ← استعاره از رزمندگان / زیر بال و پر گرفته بود ← کنایه از : از آنها مراقبت و مواظبت می‌کرد / در بی‌پناهی پناه داده بود ← تناقض / قامت ایمان ← اضافه‌ی استعاری / ایران شهر ← تشبیه / اینجا کربلاست ← تشبیه / یزیدی‌ها ← استعاره از عراقی‌ها / ما می‌ایستیم ← کنایه از مقاومت کردن / کربلای خرمشهر ← اضافه‌ی تشبیهی / کربلای عشق ← اضافه‌ی تشبیهی / ویرانی و معراج ← تضاد معنایی / آغوش برگشوده بود ← کنایه از استقبال کردن

### #فرصتی برای اندیشیدن:

۱- به دلیل اینکه در ابتدای جنگ، علی‌رغم هجوم همه جانبه و ناگهانی دشمن و ضعف امکانات و نیروهای نظامی، ۳۳ روز به رشادت و مجاهدت مردم و عده‌ای از پاسداران و بسیجیان مقاومت کرد و اجازه‌ی تصرف سریع را به دشمن نداد.

۲- یعنی انسان‌های باایمان، اگرچه در مصیبت‌ها گرفتار شوند، اما همان مصیبت سبب اعتلا و پیشرفت معنوی و مادی آنان خواهد شد.

نوع نثر: ساده و روان

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

 Telegram.me/farsitadris